



۲۰۲۰/۰۲/۲۵

بهرام صادقی

## قبول شکست در انتخابات رسم خجسته مردم سالاری است!

در دوره کمپاین ها عبدالله سرشار از خوشی بود زیرا بعد از هم پاشیدن تیم حنیف اتمر بخشی از اعضای آن تیم که بانک رأی پنداشته میشدند به تیم عبدالله پیوستند و چنین پنداشته میشد که بیشترین آرا به این تیم تعلق بگیرد. پائین بودن سطح اشتراک مردم در انتخابات نشان داد که میزان پشتیبانی مردم از بانک های رأی سابق شدیداً کاهش یافته است. محاسبات ناظرین تیم ثبات و همگرایی در نخستین روز های بعد از انتخابات از تعداد آرای خودشان و رقیب عمده شان اشرف غنی، برتری رقیب را نشان میداد. نواختن طبل کاربرد فساد که در دوران کمپاین شروع شده بود، از همانجا شدت یافت. یگانه راه برای برنده شدن عبدالله یا رفتن انتخابات به دور دوم بطلان کتلوی ۳۰۰۰۰۰ رأی بود که کمپنی درملوگ آنها را قابل تفتیش دانسته بود. کمسیون های انتخاباتی تحت تأثیر تهدید های تیم ثبات و همگرایی نرفتند ولی تفتیش آرای فوق الذکر را دوبار عملی ساختند. یکبار به شکل کامل و بار دوم به شیوه نمونه گیری. در هر دو اعلان نتایج ابتدائی و نهائی کمسیون انتخابات رأی اشرف غنی شمرده شد. سومین شکست در انتخابات های ریاست جمهوری برای شخص عبدالله مایه مأیوسیت بزرگ بود. ولی شرکای تیم اش هم با این شکست موقف غیرعادی قبلی خود را که هم در دولت کرسی های بزرگ داشتند و هم رول اپوزیسیون را اجرا میکردند و از هر دو طریق امتیاز میگرفتند از دست دادند. جنرال دوستم، خلیلی، محقق، صلاح الدین ربانی، حاجی دین محمد، حامد گیلانی، اسحق گیلانی و داماد گیلانی ها آقای احدی افراد مهم شامل این گروه میباشند. اینها حد اقل از سال ۱۹۹۲ تا حال در بخشی از افغانستان و همچنین در ۱۹ سال گذشته در دولت مرکزی قدرت را در دست داشته و روابط نزدیک با روسیه، ایران و پاکستان دارند.

همه سران تیم عبدالله که تصور میکردند امریکا و ناتو با قاطعیت از عبدالله دفاع خواهند کرد، از اعلان نتایج نهائی انتخابات و نیامدن پومپو وزیر خارجه امریکا برای بلند کردن دست عبدالله سخت تکان خورده اند. کشور های منطقه که حامی شرکای عبدالله اند هم شوک دیدند و خود را با یک وضعیت جدید مقابل یافتند. آگاهان بدین نظر اند که هم طالبان و هم وزارت خارجه امریکا و آقای خلیل زاد ترجیح میدادند در مذاکرات صلح بین الافغانی، طالبان با داکتر عبدالله و تیم اش مقابل باشند. چه عبدالله در مقابل خلیل زاد حرف شنو تر است و از لحاظ عقاید سیاسی عبدالله و تیم اش کمترین مشکل را با طالبان دارند. حال آنکه انتظار می رود اشرف غنی و تیم اش به آسانی به خواستهای اکثر آ خواهان طالبان موافقت نکنند. روسیه یگانه کشوری است که تا حال از وضع ایجاد شده بعد از اعلان نتایج نهائی انتخابات ابراز نگرانی کرده و در واقع فریاد های عبدالله را جدی گرفته است. سفر خلیل زاد به جوزجان به ارتباط صلح با طالبان بود اما طرفداران دوستم آنرا تضرع خلیل زاد برای حفظ آرامش

تبلیغ میکنند. ملل متحد از کمیسیون های انتخاباتی ابراز پشتیبانی نموده و همه کاندید ها را دعوت به قبول نتایج نمود. این موسسه اعمالی نظیر تعیین دو والی نامنهاد برای سرپل و جوزجان را قابل تشویش دانست. حامد کرزی که علایق اش با روسها اکنون پوشیده نیست در جلسه ئی با تیم عبدالله از طرح حکومت موازی اوپشتیبانی نمود و برای کسب پشتیبانی سیاف از عبدالله بتاريخ ۲۳ فیروزی به خانه سیاف رفت. داکتر عبدالله که هنوز هم خود را رئیس اجرائیه احساس میکند، به سران آئنده سازمان های بین المللی همچون اتحادیه اروپا که به غنی ابقایش در پُست ریاست جمهوری را تیریکی داده اند، از آدرس رئیس اجرائیه توبیخ نامه فرستاده و طالب توضیحات میشود. عبدالله مصروف ساختن تیم ۱۵ نفری برای مذاکره با طالبان است. حال آنکه فاقد هر نوع قدرت اجرائی است. تقرر والی های دوستمی در جوزجان و سرپل در پی دیدار خلیل زاد با دوستم در جوزجان، اقداماتی است نمایشی برای تحت فشار قرار دادن سفارت امریکا و کسب امتیاز مالی بیشتر در برابر عقب نشینی. کریم خلیلی در سخنرانی غرب کابل مستقیماً از امریکا خواست تا نتایج انتخابات را ملغی سازد؟! والی پنجشیر هم که با از بین رفتن قریب الوقوع ریاست اجرائیه برکناری اش را پیش بینی میکند، خواست با اقدام اخیر اش دل شکسته عبدالله را بدست بگیرد. اما بعید به نظر میرسد که عبدالله به اقدام غیرقانونی و نا بخردانه تشکیل حکومت موازی که بغاوت در برابر حکومت مرکزی است، دست بزند. همچو اقدام به غنی بهانه خواهد داد تا به اقدامات جدی علیه سران تیم ثبات و همگرایی دست یازد. رهبران تنظیمها باید سرانجام ختم دوران حاکمیت انحصاری خود را بپذیرند و برای نسل جوان (ضرور نیست این نسل جوان حتماً پسران شان باشند) جا خالی کنند. شرایط کنونی برای اشرف غنی هم با شرایط ۲۰۱۴ کاملاً متفاوت است و امکان اینکه وی بحیث برنده انتخابات تشکیل یک حکومت ائتلافی دیگر را بپذیرد بعید به نظر میرسد.

مشکلات کنونی در دموکراسی جوان افغانستان ناشی از اشتباهات امریکا (بخصوص خلیل زاد) در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ است. در مخالفت با خواست ملل متحد، امریکا به ائتلاف شمال برای دخول به کابل چراغ سبز نشان داد. سپس کلیدی ترین کرسی ها در کنفرانس بُن به جمعیتی های تعلق گرفت. در نتیجه کار ساختمان دموکراسی با همین مواد ساختمانی ضد دموکراسی از خارج دیکته شد. این اعمال، نا عاقبت اندیشانه نه، بلکه آگاهانه بود. شخصیت هایی که به دموکراسی باور ندارند با اصول دموکراسی برخورد فرصت طلبانه دارند. یعنی در اصل منافع شخصی و گروهی خود را تعقیب میکنند و اگر از طریق دموکراسی به این منافع نرسند از چوکات اصول دموکراسی و قانونیت خارج میشوند. حالا همان خلیل زاد به طالبان چراغ سبز میدهد تا حکومت غنی را دور بزنند و از طریق سازش با همین اشخاص که انتخابات سطح نازل پشتیبانی مردم از آنها را برملا ساخت، قانون اساسی و پایه های دموکراسی را طبق صوابدید پاکستان دور بریزند و تخریب کنند. ولی در جریان ۱۸ سال اخیر، نسلی در چوکات آزادی های مندرجه در فصل دوم قانون اساسی افغانستان تربیت یافته اند که درک خوب از دموکراسی دارند و از آن در برابر جنگسالاران و طالبان دفاع خواهند کرد. این پدیده برای خلیل زاد و آمرای مافوق اش غیرمطلوب و غیر مترقبه است. هیچ ملتی را نمیتوان نابود ساخت.

(ختم)